حدیث اول

**عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ ، قَالَ‌: «لَمَّا خَلَقَ اللّٰهُ الْعَقْلَ اسْتَنْطَقَهُ‌، ثُمَّ قَالَ لَهُ‌: أَقْبِلْ‌، فَأَقْبَلَ‌، ثُمَّ قَالَ لَهُ‌: أَدْبِرْ، فَأَدْبَرَ، ثُمَّ قَالَ‌: وَعِزَّتِی وَجَلَالِی مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَیَّ مِنْکَ‌، وَلَا أَکْمَلْتُکَ إِلَّا فِی مَنْ أُحِبُّ‌، أَمَا إِنِّی إِیَّاکَ آمُرُ وَإِیَّاکَ أَنْهَىٰ‌، وَإِیَّاکَ أُثِیبُ وَإِیَّاکَ أُعَاقِبُ‌».**

زمانی که خداوند عقل را آفرید، به او فرمود که سخن بگوید. سپس به او گفت: "رو بیاور"، و عقل رو آورد. سپس فرمود: "برگرد"، و عقل بازگشت. آنگاه خداوند فرمود: "به عزت و جلالم سوگند، هیچ مخلوقی را نیافریدم که نزد من از تو محبوب‌تر باشد، و تو را جز در کسی که دوستش دارم کامل نمی‌گردانم. بدان که تنها تو را فرمان می‌دهم و از تو نهی می‌کنم، و تو را پاداش می‌دهم و تو را مجازات خواهم کرد."

نکات مهم:

مضمون این حدیث در دو حدیث دیگر در این باب (**حدیث 14 و 26**) تکرار شده است.

این حدیث دارای دو بخش است که اکثر شارحین به بخش اول آن پرداخته‌اند و از بخش دوم غافل شده‌اند.

بخش اول حدیث: آفرینش عقل

**سوال اول: مراد از عقل کدام نوع آن است؟**

بسیاری از شارحین از جمله ملاصدرا و فیض کاشانی قائلند که مقصود از عقل، عقل اول (نور محمدی ) می‌باشد.

**ملاصدرا:** با توجه به تعریف ایشان از عقل اول، "إقبال" به معنای روی‌آوردن به دنیا و "إدبار" به معنای رحلت از دنیا و روی‌آوردن به سوی حضرت حق است.

**مرحوم مجلسی:** قاطعانه مراد از عقل را بیان نمی‌کند و احتمال می‌دهد که منظور از عقل، عقل انسانی است.

**مقایسه بین احادیث 1 و 14 و 26:**

مراد از عقل در حدیث شماره **1**، عقل اول و رسول خدا نمی‌باشد، بلکه مراد در حدیث 14 می‌باشد. زیرا: در حدیث شماره **1**، عبارت "**إیّاک أعاقِب**" برای پیامبر صحیح نمی‌باشد.

و جمله "**وَلَا أَکْمَلْتُکَ إِلَّا فِی مَنْ أُحِبُّ‌**" برای معصوم سازگاری ندارد.

و تفسیر إقبال و إدبار با ظاهر روایت سازگار نیست، زیرا اگر مراد رسول خدا باشد، ابتدا باید "أَدبِر" را ذکر کند و سپس "أقبِل" را بیان کند، همانطور که در حدیث 14 چنین بیان شده است.

**سوال دوم: مراد از ماده امر در کلمات "أقبِل و أَدبِر" چیست؟ منظور این است که امر تکوینی است یا امر تشریعی؟**

**ارزش عقل:**

**رُوِيَ عَنِ اَلصَّادِقِأَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اَللَّهَ تَعَالَى رَكَّبَ اَلْعَقْلَ فِي اَلْمَلاَئِكَةِ بِدُونِ اَلشَّهْوَةِ وَ رَكَّبَ اَلشَّهْوَةَ فِي اَلْبَهَائِمِ بِدُونِ اَلْعَقْلِ وَ رَكَّبَهُمَا جَمِيعاً فِي بَنِي آدَمَ فَمَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ عَلَى شَهْوَتِهِ كَانَ خَيْراً مِنَ اَلْمَلاَئِكَةِ وَ مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَلَى عَقْلِهِ كَانَ شَرّاً مِنَ اَلْبَهَائِمِ.**

همانا خداوند متعال عقل را در فرشتگان بدون شهوت قرار داد، و شهوت را در حیوانات بدون عقل آفرید، و هر دو را در انسان قرار داد. پس هر کس که عقلش بر شهوتش غالب شود، از فرشتگان برتر است، و هر کس که شهوتش بر عقلش غالب شود، از حیوانات پست‌تر خواهد بود.

**سوال سوم: مراد از إقبال و إدبار عقل چیست؟**

نتیجه:

معنای إقبال و إدبار با توجه به تفسیر علامه مجلسی اینگونه است که: این خطاب قرار دادن عقل توسط خداوند، به معنای توانایی درک حسن و قبح است. خطاب ثواب دادن و عقاب کردن به عقل یعنی او می‌تواند حسن و قبح را درک کند و نسبت به مقربات إلی الله، إقبال پیدا کند و نسبت به منهیات و معاصی، إدبار داشته باشد.

**سوال چهارم: مراد از استنطاق عقل چیست؟**